



## مذاکرات شکست خورده صلح خاورمیانه

مترجم: جمیله کلکاران  
منبع: بی بی سی

از زمان برگزاری اولین مذاکرات صلح خاورمیانه در ژوئن ۱۹۶۷، طرح های متعددی ارائه شده و مذاکرات زیادی نیز صورت گرفته است. بعضی از مذاکرات صورت گرفته مثل مذاکره میان مصر و اسرائیل و اسرائیل و اردن به نتایجی رسیدند. اما هرگز در پایان دادن به درگیری ها در منطقه و حل اختلاف میان اسرائیل و فلسطین هیچ موفقیتی را دربرداشتند.

بی بی سی مقالاتی در مورد تلاش هایی که برای دستیابی به صلح و برداشتن موانع با برگزاری مذاکرات صلح خاورمیانه صورت گرفته، چاپ کرده است. در ذیل به ذکر و بررسی مذاکرات صلح خاورمیانه که از سال ۱۹۶۷ شروع شده، می پردازیم.

### قطعه نامه ۲۴۲ شورای امنیت در سال ۱۹۶۷

این قطعه نامه در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ تصویب شد که چارچوب مذاکرات بعدی صلح را تعیین کرد. در این قطعه نامه عقب نشینی نیروهای ارتش اسرائیل از اراضی اشغال شده و احترام و پذیرش حاکمیت فلسطین، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی مناطق مختلف، حق زندگی کردن در صلح و آرامش و عاری از تهدید و حمله در یک قلمرو مطرح و به رسمیت



دستور تلقی می شد. این در حالی است که در بسیاری از مذاکرات صلح به همین قطعه نامه ۲۴۲ اشاره شده است.

### توافق نامه کمپ دیوید، ۱۹۷۸

پس از جنگ ۱۹۶۷، چندین مذاکره صلح انجام شد که یک نمونه از آن طرح ایگال آلون، ژنرال اسرائیلی بود که پیشنهاد عقب نشینی نیروهای اسرائیل از کرانه غربی رود اردن را مطرح کرد. اما عملاً تا پایان جنگ (اکتبر ۱۹۷۳) که نیروهای مصری از کانال سوئز گذشتند، هیچ اتفاقی نیفتاد. پس از این جنگ، مذاکرات صلح وارد مرحله جدیدی شد و در دیدار تاریخی انور سادات، رئیس جمهوری مصر از بیت المقدس در نوامبر ۱۹۷۷، معاهده صلح میان اسرائیل و مصر امضا شد.

شناخته شده بود. این قطعه نامه در زبان انگلیسی به قطع نامه غیرصریح (imprecision) معروف است. در این قطعه نامه، در بندی که در خصوص عقب نشینی نیروهای اسرائیل نوشته شده بود، فقط کلمه اراضی (territory) ذکر شده بود و اسرائیل نیز با استناد به این کلمه اظهار داشت که عقب نشینی کردن به معنای خروج از تمام اراضی (all territory) فلسطین نیست.

این قطعه نامه در بخش ۶ منشور سازمان ملل نوشته شده است. قطعه نامه های شورای امنیت که در این بخش از منشور سازمان ملل نوشته می شوند، تنها یک توصیه محسوب می گردند. در حالی که اگر این قطعه نامه در بخش ۷ نوشته می شد، یک

جیمی کارتر، رییس جمهوری آمریکا در آن زمان، از این وضعیت جدید استفاده کرد و از انور سادات و مناخ بیگین خواست که در کمپ دیوید در نزدیکی واشنگتن دیدار و مذاکره کنند. این مذاکرات ۱۲ روز به طول انجامید و نتیجه آن امضای دو توافق نامه شد که چارچوب مذاکرات خاورمیانه نام گرفت.

این چارچوب که اصول صلح را تعیین می کرد و بر پایه قطعنامه ۲۴۲ بود، امید می رفت که بتواند مشکلات فلسطینی ها را حل کند و باعث شود که اسرائیل همانند مصر با سایر همسایگان پیمان صلح امضا کند.

ضعف اولین توافق نامه میان مصر و اسرائیل ذکر مواردی در متن توافق نامه در مورد فلسطینی ها بود. در این توافق نامه هدف این بود که یک دولت خودمختار در کرانه غربی رود اردن و نوار غزه تاسیس شود و بتواند مذاکرات نهایی صلح را به سرانجام برساند. اما در این مذاکرات هیچ نماینده ای از مردم فلسطین حضور نداشت.

در دومین توافق نامه که چارچوب پیمان صلح میان اسرائیل و مصر مطرح شد، در سال ۱۹۷۹ پس از عقب نشینی اسرائیل از صحرای سینا امضا شد. این توافق نامه اولین موردی بود که اسرائیل به عنوان یک کشور از سوی جهان عرب به رسمیت شناخته شد و این توافق نامه دوام یافت و موقعیت اسرائیل را مستحکم کرد. اما صلح میان مصر و اسرائیل مورد استقبال قرار نگرفت و پس از آن انور سادات ترور شد.

### کنفرانس مادرید، ۱۹۹۱

این کنفرانس به میزبانی آمریکا و شوروی سابق برای پی گیری توافق نامه مصر و اسرائیل و تشویق سایر کشورهای عربی برای امضای توافق نامه صلح با اسرائیل برگزار شد.

اردن، لبنان و سوریه در کنار اسرائیل و مصر به این کنفرانس دعوت شدند. در این مذاکرات نمایندگان فلسطین در درون هیات نمایندگان اردنی حضور داشتند که این امر مورد اعتراض اسرائیل قرار گرفت. این کنفرانس در نهایت منجر به امضای پیمان صلح میان اسرائیل و اردن در سال ۱۹۹۴ شد. دستاورد اصلی کنفرانس مادرید این بود که یک کشور عرب به جز مصر توانست با اسرائیل مذاکرات آشکار و علنی داشته باشد.

پس از برگزاری کنفرانس مادرید، مذاکرات مستقیم میان سوریه و اسرائیل آغاز شد. در این گفت و گو تقاضای اصلی سوریه، عقب نشینی کامل

اسرائیل از بلندی های جولان بود. اسرائیل در پاسخ اعلام کرد که خود را برای خروج آماده می کند. اما میزان و زمان بندی خروج نیروها به پذیرش توافق نامه صلح از سوی سوریه و مدت زمانی که به عادی سازی روابط میان دو طرف بینجامد، بستگی دارد. در ضمن باید در مورد هر گونه توافق نامه ای امضا شده، یک همه پرسی در اسرائیل برگزار شود. سوریه مدعی شد که در مذاکرات ۱۹۹۵ اسحاق رابین، نخست وزیر اسرائیل توافق کرد که به طور کامل عقب نشینی کند. اما اسرائیلی ها اعلام کردند که پذیرش آنها فقط یک پذیرش فرضی و صوری بوده و وابسته به عادی سازی کامل روابط میان دو کشور بوده و سوریه نیز این شرایط را نپذیرفت.

گفته شده که یک توافق نامه غیر رسمی در این مورد میان دولت اسرائیل و شهروندان اسرائیلی در سال ۲۰۰۶ امضا شد. اما این امر به برگزاری مذاکره میان طرفین منجر نشد.

مذاکره میان اسرائیل و لبنان پس از برگزاری کنفرانس مادرید آغاز شد. اما به دلیل اختلافات مرزی متوقف شد و اخیرا نیز شاهد جنگ میان نیروهای حزب الله لبنان و اسرائیل بودیم.

آنچه که مسلم است امضای هر گونه توافق نامه صلح میان اسرائیل و لبنان به دلیل نفوذ سوریه در لبنان، پس از امضای توافق نامه صلح با سوریه صورت خواهد گرفت.

### توافق نامه اوسلو، ۱۹۹۳

مذاکرات اوسلو در جهت گنجاندن یک جزء گمشده در مذاکرات قبلی که همان حضور رهبران جنبش آزادی بخش فلسطین (پی ال او) در ترکیب هیات مذاکره کننده بود، صورت گرفت. اهمیت برگزاری این مذاکرات این بود که دو طرف یکدیگر را به رسمیت شناختند.

این مذاکرات به صورت غیر علنی با حمایت نروژ صورت گرفت و یک توافق نامه در کاخ سفید در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳ با حضور بیل کلینتون، رییس جمهوری آمریکا امضا شد.

در این مذاکرات، یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین و اسحاق رابین، نخست وزیر اسرائیل در آن زمان، دست یکدیگر را فشردند. در این توافق نامه عقب نشینی سربازان اسرائیلی از کرانه غربی رود اردن و نوار غزه مطرح شد. در این توافق نامه از پایان بخشیدن به ده ها سال درگیری میان دو طرف و به رسمیت شناختن طرفین صحبت شده بود.

## دستاورد اصلی کنفرانس مادرید این بود که یک کشور عرب به جز مصر توانست با اسرائیل مذاکرات آشکار و علنی داشته باشد

گر چه به صورت آشکار و صریح در متن توافق نامه این مطلب که یک کشور به نام فلسطین در کنار اسرائیل وجود داشته باشد، ذکر نشده بود. اما مضمون توافق نامه گویای این مطلب بود.

در این مذاکرات نامه هایی رد و بدل شد که در آن یاسر عرفات حق اسرائیل را برای زندگی در صلح و امنیت و اسحاق رابین نیز جنبش آزادی بخش فلسطین را به عنوان نماینده مردم فلسطین به رسمیت شناخت.

حماس و سایر گروه های مخالف فلسطینی توافق نامه اوسلو را نپذیرفتند و دست به انجام عملیات انتحاری علیه اسرائیلی ها زدند و گروه های مخالف در درون اسرائیل نیز که از میان گروه های مهاجر بودند، شکل گرفت.

### کمپ دیوید، ۲۰۰۰

تلاش های زیادی (تا بدر سال ۱۹۹۵، وای ریور ۱۹۹۸ و شرم الشیخ در سال ۱۹۹۹) برای سرعت بخشیدن به عقب نشینی نیروهای اسرائیل و مقدمات تشکیل دولت خودمختار فلسطین بر اساس پیمان اوسلو شکل گرفت.

سپس در سال ۲۰۰۰ بیل کلینتون، رییس جمهوری وقت آمریکا سعی کرد در مذاکرات جدید مسایلی مثل محدوده اراضی، مساله آوارگان و وضعیت بیت المقدس گنجانده شود.

مذاکرات در ماه ژوئیه میان ایهود باراک، نخست وزیر اسرائیل و یاسر عرفات انجام شد. در این مذاکرات دو طرف نتوانستند به توافق برسند. اما مذاکرات میان طرفین جزئی تر از مذاکرات قبلی

بود. مشکل اصلی در این مذاکرات این بود که اراضی که اسرائیل در اختیار فلسطینی‌ها می‌گذاشت، کمتر از آن چیزی بود که آنان بتوانند بپذیرند. اسرائیل نوار غزه و بخش زیادی از کرانه غربی رود اردن و مناطق بیابانی را در اختیار فلسطینی می‌گذاشت و در مقابل مناطق مسکونی و بخش عمده شرق بیت‌المقدس را بر می‌داشت.

فلسطینی‌ها می‌خواستند که به مرزهای ۱۹۶۷ برگردند و کنترل بخش یهودی‌نشین در بیت‌المقدس در اختیار اسرائیل باشد. همچنین آوارگان فلسطینی نیز حق بازگشت به سرزمین خود را داشته باشند.

شکست مذاکرات کمپ دیوید سبب از سرگیری قیام مردم فلسطین یا انتفاضه شد.

### مذاکرات تابا، ۲۰۰۱

در روزهای باقی‌مانده از ریاست جمهوری بیل کلینتون، وی دست از تلاش برداشت و مذاکرات دیگری را در واشنگتن و شهر تابا در مصر پی‌ریزی کرد. این مذاکرات در سطح مقامات عالی‌رتبه و بلندپایه برگزار نشد و ناظرانی از اتحادیه اروپا حضور داشتند و به روایت این ناظران مذاکره‌کنندگان اسرائیلی پذیرفتند که بیت‌المقدس مرکز فلسطین باشد. اما ایهود باراک که درگیر مبارزات انتخاباتی بود از پذیرش تعهداتی که به دوش اسرائیل بود، سر باز زد و با روی کار آمدن آریل شارون در فوریه ۲۰۰۱، زمان انجام تعهدات اسرائیل از دست رفت.

### طرح صلح پیشنهادی عربستان، ۲۰۰۲

پس از شکست مذاکرات دو جانبه و از سرگیری درگیری‌ها، طرح صلح پیشنهادی عربستان در

اجلاس اعراب در مارس ۲۰۰۲ در بیروت ارایه شد که در آن جهان عرب خواستار پایان دادن به درگیری میان فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها بودند. در چارچوب این طرح، اسرائیل باید به مرزهای ژوئن ۱۹۶۷ عقب‌نشینی می‌کرد و فلسطینی‌ها در کرانه غربی و نوار غزه یک دولت مستقل تشکیل می‌دادند و در مقابل، اعراب باید اسرائیل را به رسمیت می‌شناختند.

طرح صلح عربستان در اجلاس بعدی سران عرب در ریاض صحنه گذاشته شد. نقطه قوت این طرح صلح، تشکیل دولت فلسطین در کنار اسرائیل بود و نقطه ضعف آن این بود که دو طرف باید در مورد مسایلی که تاکنون در مورد آن به توافق نرسیده بودند، مذاکره می‌کردند.

### نقشه راه (road map)، ۲۰۰۳

این نقشه توسط آمریکا، روسیه، اتحادیه اروپا و سازمان ملل ترسیم شد و هدف آن فراهم کردن شرایط تشکیل دولت مستقل فلسطین بود. همچنین در این طرح به برقراری امنیت در فلسطین تاکید شده بود و برگزاری مذاکرات نهایی را در گرو برقراری امنیت و آرامش در فلسطین می‌دانست.

در مرحله اول این طرح، دو طرف باید از ایده‌ی دو دولت در کنار هم حمایت می‌کردند. فلسطینی‌ها باید به درگیری‌ها و عملیات انتحاری خاتمه می‌دادند. سپس با تدوین یک قانون اساسی، یک همه‌پرسی در فلسطین برگزار می‌شد. اسرائیل نیز باید شهرک‌سازی در سایه حضور نظامی و زور اسلحه را متوقف می‌کرد.

در مرحله دوم یک کنفرانس بین‌المللی برای تعیین مرزهای فلسطین برگزار می‌شد. در مرحله آخر نیز مذاکرات نهایی بین طرفین صورت می‌گرفت.

### پیمان ژنو، ۲۰۰۳

با به نتیجه نرسیدن تلاش‌های رسمی و بین‌المللی، یک توافق‌نامه غیر رسمی در دسامبر ۲۰۰۳ میان "یوسی بیلین" یکی از معماران پیمان اسلو و "یاسر عابد رابو"، وزیر پیشین اطلاعات فلسطین امضا شد.

در این توافق‌نامه غیر رسمی بر خلاف نقشه راه که برقراری امنیت را لازمه دستیابی به توافق‌نامه سیاسی میان دو طرف می‌دانست، انعقاد توافق‌نامه سیاسی را عامل ایجاد امنیت و صلح می‌دانست.

در این توافق‌نامه غیر رسمی قرار شد که اسرائیل تعدادی از شهرک‌های بزرگ خود مثل شهرک آریل را واگذار کند و فلسطینی‌ها هم می‌توانستند کنترل

- شکی نیست که در حال حاضر دولت فلسطین که از سوی حماس اداره می‌شود به هیچ وجه اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد و اعتقادی به توافق‌نامه‌های پیشین ندارد و برای کسب قدرت در کشمکش با جنبش فتح است

شرق بیت‌المقدس را در دست گیرند. حاکمیت اسرائیل بر دیوارهای غربی شهر قدیمی نیز همچنان حفظ می‌شد. این توافق‌نامه هیچ تضمین اجرایی معتبر و رسمی نداشت.

### شرم‌الشیخ، ژوئن ۲۰۰۷

تاریکترین مذاکرات صلح خاورمیانه در ۲۵ ژوئن ۲۰۰۷ در شرم‌الشیخ مصر برگزار شد. ۴ رهبر شرکت‌کننده در این اجلاس یعنی حسنی مبارک، ملک عبدالله، ایهود اولمرت و محمود عباس هر یک پشت یک میز جداگانه نشسته بودند و گویی هر یک بر جزیره‌ای در یک دریای پهناور حکمرانی می‌کنند. در شرم‌الشیخ هر یک سخنرانی خود را ایراد کردند. اولمرت در سخنانش از کلمه اشغال استفاده نکرد و محمود عباس را با کلمه رییس جمهوری خطاب کرد. وی از آمادگی اسرائیل برای آزادی زندانیان جنبش فتح صحبت کرد و با این کار هدفی جز از بین بردن وحدت فتح و حماس نداشت.

عده‌ای از تحلیل‌گران سیاسی معتقدند که نتیجه این کنفرانس "مثبت صفر" و بعضی‌ها آن را "منفی صفر" می‌دانند.

شکی نیست که در حال حاضر دولت فلسطین که از سوی حماس اداره می‌شود به هیچ وجه اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد و اعتقادی به توافق‌نامه‌های پیشین ندارد و برای کسب قدرت در کشمکش با جنبش فتح است که از سوی محمود عباس جانشین یاسر عرفات اداره می‌شود.

